

فصل اول
آداب رجوع به حجت

1. ضرورت رجوع به حجت

➤ هر انسان بالغی لازم است کارهایی را که از روی اختیار انجام می‌دهد بر اساس **دلیل عقلی یا شرعی** انجام دهد. به گونه‌ای که اگر در برابر سوال چرایی کارش مواجه شد بتواند انگیزه و نیت خود را از آن کار به گونه‌ای بیان کند که عرف عقلا پسند نمایند.

➤ اولین تکلیف هر انسان عاقل، پرهیز از هر گونه لهو و لعبی در امور زندگی.

➤ دلیل انتخاب و اختیار انسان و نیز آنچه به عنوان معیار شناسایی امور است، در عرف دینی به **حجت** مشهور است.

➤ خطرناک‌ترین موضوعی که در این دوره ممکن است زندگی فرد را مختل کند پررنگ شدن زندگی دنیا و تعلقات آن است.

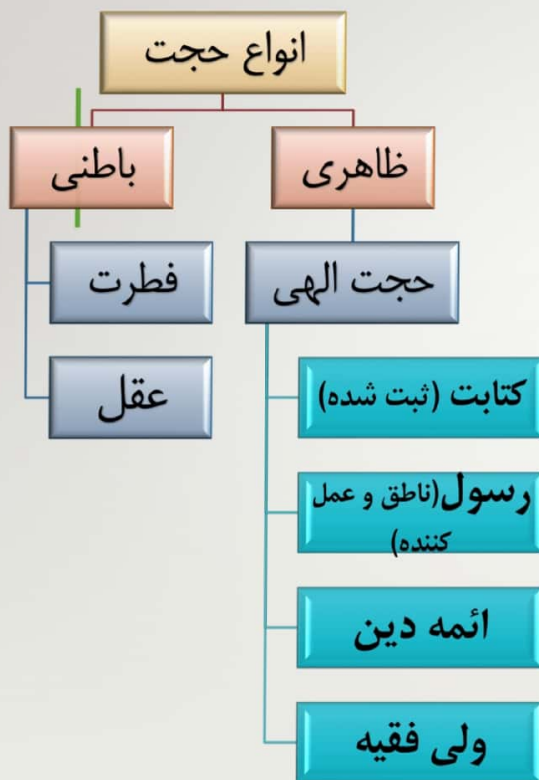
➤ ضرورت رجوع به حجت تنها برای کسی واضح و آشکار می‌شود که به نوعی زندگی خود را برای

آخرت تنظیم کند و گرنه رجوع به حجت امری بی‌معنا خواهد بود.

تبعات نداشتن همت



سوق یافتن به شر
افراط و تفریط در زندگی
ورود به فعالیت های اجتماعی هلاکت بخش
بهانه جویی در برابر تکالیف شرعی و دینی
رو آوردن به جرم
تشخیص نادرست نفع و ضرر
واگرایی نسبت به جمع ها و جمعیت های حق
خارج شدن از تعادل در غم و شادی
سوق یافتن به ظلم و تعدی به دیگران
کسب بدی ها به جای انجام خوبی ها و زیبای ها
دور شدن از تفکر و دریافت های عاقلانه
دور شدن از ایمان و تعقل



- انسان با مراجعه به فطرت خود در میابد که در درون او قدرت تمایز و نیز قدرت تحلیل و تفصیل وجود دارد. در این صورت وی قدرت دارد:
- هست و نیست اشیاء یا رخدادها و درست و نادرست آنها را شناسایی نماید.
- بایدها و نیایدهای مربوط به زندگی را فهم کند.
- در برابر نعمت‌های الهی واکنش مثبت و فعال نشان می‌دهد.
- گناه را از غیر گناه، عقاب را از ثواب، بد را از خوب تفکیک کند.
- پایه شخصیت انسان عقل است و هوش و فهم و حافظه و دانش از عقل سرچشمه میگیرند. عقل انسان را کامل کند و رهنما و بیناکننده و کلید کار اوست.
- حجت الهی در جامعه عبارتست از کسی که به وسیله او حکم الهی جاری می‌شود.
- در رأس حجت الهی، رسولان و ائمه دین و ولی فقیه و علما هستند که احکام دین از طریق آنان صادر می‌شود. اگر حجت الهی از جامعه به هر دلیل حذف شود احکام الهی نازل نمی‌شوند و امکان دستیابی به این احکام نیست.

3. قرآن و اهل بیت حجت بر همه حجت‌ها

الف. این دو ثقل در عین اینکه هر یک به تنهایی دارای شأن و منزلتی مستقل‌اند ولی از نظر حجت بودن در هیچ حالتی از هم منفصل و جدا نمی‌باشند. لذا در هر موردی که به عنوان حجت مورد استناد و دلیل قرار می‌گیرند باید توسط هر یک مورد تأیید قرار گیرند.

از این رو فرد بالغ لازم است به تدریج مطالعه قرآن و روایات را برای فهم استنادات کارهای خود مورد نظر قرار دهد.

امتیازات ویژه قرآن و اهل بیت در خصوص حجت بودنشان:

ب. هر یک از آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام دارای سطوح مختلفی از حجت هستند که با ارتقاء درجه علمی و معنوی افراد، حجت بودن خود را آشکار می‌سازند. لذا مطالعه هر دو منبع خیر از ابتدای بلوغ و حتی قبل از آن توصیه شده بلکه بر همگان لازم است.

لازم به ذکر است برداشت‌هایی که افراد در هر مرحله از آیات و روایات می‌نمایند باید مبتنی بر ظاهر آنها باشد و در هیچ حالتی آن را نقض نکند.

طبیعی است بررسی روش‌مند آیات و روایات بهره افراد را از آنها به مراتب افزایش می‌دهد.

مطالعه مستمر و دقیق، همراه با برنامه‌ریزی مشخص از ضروریات حیاتی سن بلوغ و بعد از آن است.

امتیازات ویژه قرآن و اهل بیت در خصوص حجت بودنشان:

ج. رجوع به هر یک از آیات و روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام برای فرد بالغ دارای سطحی از دقت و توجه است. بالا بردن سطح دقت و توجه و برخورداری از انواع توجه مانند انس، تفکر، تدبیر، قرائت، ترتیل، تلاوت و ... میزان بهره‌مندی از حجت و عقلانیت را به شدت افزایش می‌دهد.

امتیازات ویژه قرآن و اهل بیت در خصوص حجت بودنشان:

4. آداب رجوع به حجت درونی

برای اینکه فرد بالغ بتواند حجت درونی خود را تقویت کند ناچار است که به اموری اهتمام داشته باشد و توجه خود را معطوف به برنامه‌هایی نماید.

- ★ مراقبت از وابسته شدن به دنیا
- ★ طلب علم
- ★ نشست و برخاست با علما
- ★ کنترل آرزوهای بلند و دست نیافتنی
- ★ پرهیز از سخن بیهوده
- ★ کنترل خواهش‌های نفسانی
- ★ تفکر در آیات
- ★ کنترل سخن و رأی

حجت بیرونی

- انسان‌های عارف به خدا که در قالب آیات الهی برای انسان‌های دیگر آشکار می‌شوند و عهده‌دار هدایت آنها می‌گردند. این افراد که به واسطه ارتباط خاص خود با خداوند موفق به دریافت حکم‌های مختلفی از زندگی شده‌اند و مراجعه به آنها به منزله دریافت حکم‌های الهی است.
- کسانی که مستقیماً به وحی دسترسی دارند و از طریق وحی‌ای که به خود آنها می‌شود می‌توانند احکام را دریافت نمایند.
- گاهی نیز به واسطه ارتباط با رسولان الهی حجت بر بندگان می‌شوند.
- شناخت حجت‌های الهی در صورتی برای فرد امکان‌پذیر می‌شود که با عقل خود به دنبال احکام الهی باشد.
- تنها کسانی موفق به پیوند با حجت‌های بیرونی می‌شوند که با حجت درونی نیاز خود را به حجت بیرونی دریافت کرده باشند و تشنه ملاقات با آنها باشند. در این صورت بر اساس هدایت عامه الهی خداوند به هر تقدیری که شده ایشان را برای آنها آشکار می‌کند و احکام خود را در اختیار آنها می‌گذارد.
- بر این اساس اهمیت حجت بیرونی به مراتب از حجت درونی بیشتر است زیرا هم عامل احیا و شکوفایی آن و هم سبب هدایت و جهت‌دهی مستمر آن می‌باشد.

سیر ورود حجت بیرونی در زندگی انسان:

- با ورود حجت بیرونی انسان‌ها به حجت درونی و عقل و دارایی‌های فطری خود واقف می‌شوند.
- با فعال شدن عقل خویش به شناخت حجت بیرونی موفق می‌شوند.
- با رجوع دوباره و آگاهانه و از روی نیاز به حجت بیرونی موفق به دریافت حقایق هستی می‌گردند و از این رهگذر راه ملکوت را بر خود هموار و راهیابی به نعمت‌های سعادت و بهشت را برای خود امکان‌پذیر می‌یابند.

5. آداب رجوع به حجت بیرونی
برای اینکه فرد بالغ بتواند حجت درونی خود را تقویت کند ناچار است که به اموری اهتمام داشته باشد و توجه خود را معطوف به برنامه‌هایی نماید.

- نشست و برخاست با صالحان ★
- اطاعت از والیان عدل ★
- طلب حوائج از اهلش ★
- تواضع ★
- حسن روابط با دیگران ★

6. آثار و نتایج بهره مندی از حجت

- نشست و برخاست با صالحان ★
- اطاعت از والیان عدل ★
- طلب حوائج از اهلش ★
- تواضع ★
- حسن روابط با دیگران ★
- کنترل خواهش‌های نفسانی ★
- تفکر در آیات ★
- کنترل سخن و رأی ★

7. عوامل عدم رجوع به حجت و جدایی از آن

- فرد بالغ به طور طبیعی و فطری لازم است در خود نیاز به حجت درون و بیرون را حس کند. همانطور که پس از بلوغ به طور طبیعی لازم است نسبت به تکالیف شرعی کششی را در خود احساس نماید.
 - در صورت وجود کشش درونی و عدم اعتنا به آن به تدریج گرد و غبار فراموشی و غفلت بر روی آن را گرفته و حجت‌های الهی به فراموشی سپرده می‌شوند.
 - با اجابت نشدن کشش درونی و عدم تثبیت و افزایش آن طبع دنیا فرد را به سمت خود می‌کشاند.
 - جذابیت‌های دنیا از یکسو و نیازهای درونی مادی فرد از سوی دیگر مجال تأمل و تفکر و به تبع آن تعقل را از فرد می‌گیرد و به همین دلیل سیر هدایتی فرد دچار خدشه‌های جدی می‌گردد.
 - بنابراین هر عاملی که به عدم اجابت به ندای فطری منجر شود عامل اصلی در عدم رجوع به حجت خواهد بود.
 - عدم رجوع به حجت اگر مدتی ادامه و استمرار یابد به صفت انکار و تکذیب و **روبرگردان از ولی منجر می‌شود.**
- ★ طغیان
- ★ عصیان
- ★ تکذیب
- ★ کفر
- ★ شرک
- ★ جهل و ظلم
- ★ اعراض
- ★ استهزاء
- ★ افتراء

8. علامت های هجت

یکی از موضوعات مهم در رجوع به هجت درونی و بیرونی علامت‌شناسی است.

علامت‌شناسی به معنای اینست که:

1. ★ فرد بالغ برای تشخیص درست از نادرست، خیر از شر، حسن از سوء نیازمند نشانه است.
2. ★ او برای به یقین رسیدن نسبت هر تمایزی نیازمند نشانه است.
3. ★ و برای اینکه مطمئن شود که به هجت درونی و بیرونی درست رجوع کرده است دلیل می‌خواهد.
4. ★ و برای تشخیص چگونگی برخورد هایش با دیگران لازم است اطرافیان را بشناسد و این نیز نیازمند نشانه است.

9. علامت های رجوع به حجت

همانطور که انسان برای حجت نیاز به نشانه دارد برای اینکه بداند رجوع او به حجت تحقق یافته است نیز نیازمند به علامت است. این علائم موجب اطمینان خاطر فرد شده و اگر احیاناً بر خلاف آن مشاهده کرد لازم است در نوع رجوع خود به حجت تجدید نظر کند. روایت زیر از **امام صادق علیه السلام** مجموعه ای از علائم را در این رابطه برای ما بیان می کند.

عاقل کسی است

که:

1. در قبول کردن حق آرام و نرم باشد،
2. در مقابل قول حق انصاف بدهد،
3. در مقابل باطل سرکش باشد،
4. با قول باطل و ناحق مخالفت کند،
5. از منافع دنیوی دست می کشد، ولی از آخرت صرف نظر نمی کند.
6. شخص عاقل هرگز سخنی نمی گوید که نزد عقل منکر و مردود باشد،
7. کاری نمی کن که خود را در معرض تهمت قرار بدهد،
8. با افراد ناملایم و ناجوری که برخورد می کند مدارا می نماید،
9. پیوسته به راهنمایی و هدایت عقل کار می کند،
10. حلم را در احوال و امور خود قرین قرار می دهد
11. در مذهب و سیر و راه خود روی معرفت قدم برمی دارد.

و علامت شخص عاقل دو چیز است:

1. راستگویی
2. درست کرداری.

و هوی دشمن عقل و مخالف حق و حقیقت و همراه باطل است. و هوی از شهوات نفسانی نیرو می‌گیرد. و ریشه‌های علامت و آثار هوی؛ از چهار چیز تولید می‌شود:

1. از خوردن مال حرام.
2. از غفلت کردن در انجام فرائض و تکالیف واجب.
3. از سستی و مسامحت در بجا آوردن آداب و سنن الهی.
4. از بی‌باکی در فرو رفتن در شهوات نفسانی و لهو و لغو.